

بررسی خیارات مختص به بیع در تجارت الکترونیکی از منظر فقه و حقوق موضوعه

سید حسن سادات*، احمد مرادخانی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳)

چکیده

قانون تجارت الکترونیکی به علت نوپایی خود، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی و همچنین با توجه به مخفی و مبهم ماندن بسیاری از جنبه‌ها و کارکردهای بالقوه آن تاکنون و مدت زمان کمی که از تصویب قوانین مربوط به آن می‌گذرد، از جنبه‌های بسیاری، مبهم و کلی بوده و قانون‌گذار در موارد بسیاری نیز سکوت اختیار نموده است و مطالب زیادی را ندیده انگاشته است. یکی از مسائلی که در این قانون مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و با وجود کارکرد عمده آن در فقه اسلامی و قانون مدنی، در قانون تجارت الکترونیکی لحاظ نشده است، مسئله خیارات می‌باشد. در تحقیق حاضر به بررسی امکان اعمال خیارات مختص به عقد بیع در قانون تجارت الکترونیکی پرداخته شده است و چنین نتیجه گرفته شده که با وجود امکان اعمال این خیارات در معاملات الکترونیکی، از آن جایی که قوانین موضوعه تجارت الکترونیکی در زمینه خیارات جوابگوی نیازهای شرکت‌کنندگان در این تجارت نمی‌باشد، لذا نیاز به اصلاح قوانین موجود و همچنین وضع قوانین جدید، مطابق با احکام فقه اسلامی می‌باشد.

کلیدواژگان

بیع، تجارت الکترونیکی، خیارات، فقه اسلامی، معاملات.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
** نویسنده مسئول: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
رایانامه: ah_moradkhani@yahoo.com

مقدمه

ایجاد و گسترش استفاده از فضای مجازی و محیط وب و همچنین مناسبات مبتنی بر اینترنت، انسان قرن بیست و یکم را در دنیایی جدید و پر رمز و راز وارد نموده است که از طرفی تئوری تشکیل دهکده جهانی را به واقعیت نزدیک کرده است و از طرف دیگر نیز بحران‌های نوینی چون بحران هویت و شکسته شدن حریم‌های خصوصی افراد را به دنبال دارد. فضای مجازی اینترنت گستره وسیعی را جهت انجام فعالیت‌های مختلف در اختیار کاربران خود قرار داده است که در آن افراد قاره‌ها و کشورهای مختلف می‌توانند در هر زمان از شبانه‌روز و بدون توجه به مسافت، با افراد دیگر قاره‌ها و کشورها ارتباط برقرار کرده و از این شیوه نوین ارتباطی جهت رفع نیازمندی‌های خود استفاده کنند.

تجارت الکترونیکی^۱ را می‌توان یکی از نتایج انقلاب فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش استفاده از اینترنت دانست که در عرصه اقتصادی ظهور یافته است. این نوع جدید تجارت به دلیل مزایای و منافع فراوانی که دارد توانسته جایگاه قابل توجهی برای خود به دست آورده و همچنان نیز با سرعتی روزافزون در حال گسترش است. (مکلارن، ۱۳۸۵، ص ۱۱) برخی از صاحب‌نظران چنین پیش‌بینی می‌کنند که در حال حاضر اگر شرکت‌های تجاری، خود را جهت ارائه خدمات و انجام معاملات به صورت الکترونیکی آماده نسازند، متقبل خسارات غیرقابل جبرانی گشته و به آسانی توسط رقیبان شکست خواهند خورد. (پرنده، ۱۳۷۹، ص ۲۵)

انجام تجارت الکترونیکی و استفاده‌های تجاری از اینترنت نیازمند بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و موشکافانه است و انجام تبلیغات نادرست درباره اینترنت و شاید غلو درباره امکانات و قدرت فضای مجازی آن، انتظارات فراوان و گاهی بی‌جا را در افراد جامعه ایجاد می‌کند. برخی از افراد به تصور افزایش چند برابری فروش کالاهای خود و یا استقبال زیاد از خدماتی که ارائه می‌دهند، قدم در این مسیر می‌گذارند و این در حالی است که صرف زمان و هزینه‌های اولیه در

این راه امری اجتناب‌ناپذیر و اساسی است. یکی از مسائلی که در این میان باید به آن توجه نمود آن است که در هر تجارتی، اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی، امکان ضرر و زیان برای هر یک از طرفین معامله وجود دارد که البته این خطر برای خریدار همیشه بیشتر می‌باشد. در محیط مجازی اینترنت که امکان مشاهده کالا یا نمونه آن از نزدیک و به طور فیزیکی وجود ندارد، ممکن است مشتری از ویژگی‌های کالا به درستی مطلع نشود و یا فروشنده، سهواً یا عمداً، مشخصات کالا را اشتباه اعلام کند و در نتیجه، کالای ارسالی برای مشتری آن چیزی که سفارش داده شده، نباشد.

لذا از آن جا که این مسئله و مسائلی دیگری از این دست، می‌توانند موجب ورود ضرر و زیان به خریدار و یا فروشنده گردند، می‌بایست برای آن‌ها حق خیار قرار داده شود. این مسئله از مسائلی است که در قانون تجارت الکترونیکی ایران مورد بی‌توجهی قرار گرفته و با وجود کارکرد عمده آن در فقه اسلامی و قانون مدنی، در این قانون لحاظ نشده است. یکی از شایع‌ترین و رایج‌ترین انواع معاملات الکترونیکی در فضای مجازی اینترنت، بیع می‌باشد. در بیع الکترونیکی به صورت پیوسته^۱، خریدار و فروشنده به صورت همزمان با برقراری ارتباط صوتی، تصویری و یا نوشتاری با یکدیگر به تبادل اطلاعات و در نهایت انجام معامله می‌پردازند. در این میان، بحث چگونگی اعمال خیارات مختص به بیع در تجارت الکترونیکی مطرح می‌شود که تحقیق حاضر این مسئله را در قانون تجارت الکترونیکی ایران مورد بررسی قرار داده است.

خیار در لغت و اصطلاح

خیار در لغت به معنای اختیار داشتن و قدرت قانونی است که یکی از طرفین عقد برای منحل کردن عقد پیدا می‌کند. (معین، ۱۳۷۱، واژه خیار) به همین دلیل وقتی به کسی گفته می‌شود که در امری برایش خیار وجود دارد، معنایش این است که برای خودش آن چه را که دوست دارد

انتخاب و اختیار کند و همین معنا ریشه تعریف فقها برای خیار است که فرموده‌اند: «خیار عبارت است از ملک امضاء عقد یا فسخ آن با لفظ یا با فعل» (شکاری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶) لذا خیار را در اصطلاح فقهی و حقوقی به معنای تسلط بر زائل کردن اثری دانسته‌اند که از عقد حاصل می‌شود و صاحب خیار، مختار است که عقد ایجاد شده را نقض کرده و یا آن را ابرام نماید. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۶)

خیارات مختص به بیع

خیارات بیان شده در منابع مختلف فقهی و حقوقی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. یک دسته آن خیاراتی است که اختصاص به عقد بیع دارند و در سایر عقود جاری نیستند که مشتمل بر سه خیار می‌باشند: ۱. خیار مجلس، ۲. خیار حیوان و ۳. خیار تأخیر ثمن. دسته دیگر نیز خیاراتی هستند که در بیع و غیربیع جاری می‌شوند. آن چه که موضوع این تحقیق می‌باشد، دسته اول خیارات است که ابتدا با توجه به منابع فقهی و همچنین حقوق موضوعه داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس به تطبیق آن‌ها با قانون تجارات الکترونیکی ایران پرداخته می‌شود.

خیار مجلس

خیار مجلس به این معنا است که طرفین عقد بیع تا زمانی که در مجلس عقد هستند، هر کدام می‌توانند بدون رضایت طرف مقابل، عقد را فسخ کنند، زیرا نبی اکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «البیعان بالخیار ما لم یفترقا» (حرّعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۴۶، باب اول از ابواب خیار، ح ۲) یعنی فروشنده و خریدار تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده‌اند، حق فسخ عقد را دارند. باید توجه نمود که افتراق اختیاری است و تفریق قهری است. در نتیجه می‌توان این گونه اثبات نمود که اگر آن‌ها را به زور از یکدیگر جدا کنند، خیار مجلس از بین نمی‌رود، یعنی افتراق مؤثر در انقضای خیار مجلس است نه تفریق. (شکاری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷) ماده ۳۹۷ قانون مدنی در این زمینه می‌گوید: «هر یک از متبایعین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده‌اند، اختیار فسخ معامله را دارند.» پس موجر و مستأجر نمی‌توانند عقد اجاره را با استناد نمودن به خیار

مجلس به هم بزنند. لذا می‌توان چنین گفت که مفهوم خیار مجلس این است که در عقد بیع تا زمانی که مجلس عقد پابرجاست و هم فروشنده و هم خریدار، هر دو در مجلس عقد حضور داشته و از هم جدا نگشته‌اند، هر کدام می‌توانند عقد را به هم بزنند. قید واحد بودن مجلس عقد در دو معنا به کار برده شده است: یک معنای آن این است که ایجاب و قبول در یک مجلس انشاء شوند، به گونه‌ای که موجب و قابل در یک محل باشند. معنای دوم این است که مجلسی که انشاء عقد در آن واقع شده است، بعد از اتمام آن بین دو طرف عقد، با جدا شدن یکی از دیگری منحل نشده باشد و این معنای دوم محل بحث است.

معنای اول در نظر علمای شیعه بحث خاصی ندارد، اما همان طور که پیش از این نیز بیان شد، اگر هر دو یا یکی از طرفین عقد را مجبور به ترک مجلس نمایند، خیار مجلس ساقط نشده و همچنان پابرجا است. امام صادق (علیه‌السلام) در زمینه خیار مجلس می‌فرماید: «هر کسی که چیزی را از دیگری می‌خرد، مادام که از یکدیگر جدا نشده‌اند، حق فسخ دارد و وقتی که از هم جدا شوند عقد بیع واجب و لازم می‌شود.» (حرّعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۴۶، باب اول از ابواب خیار، ح ۳) و شاید به دلیل وجود این گونه روایات است که صاحب جواهر (ره) در مورد اعتبار این خیار نزد فقهای شیعه ادعای اجماع نموده است. در مورد نقطه آغازین خیار مجلس می‌توان چنین گفت که شروع خیار مجلس از زمانی است که ایجاب و قبول به یکدیگر ملحق گشته و عقد ایجاد شده باشد و اتمام مهلت آن نیز همان گونه که بیان شد، جدا شدن طرفین معامله از یکدیگر می‌باشد.

حال اگر عقد بیع توسط وکیلی که وکالت مطلق دارد، منعقد شود و موکل نیز در مجلس حضور داشته باشد، هر کدام از آنها که بخواهند می‌توانند از این خیار برای فسخ عقد استفاده کنند. اما اگر وکالت وکیل، مطلق نباشد و تنها جهت انعقاد عقد وکالت داشته باشد، دیگر حق فسخ عقد را نخواهد داشت و فقط موکل، آن هم به شرط حضور در مجلس، می‌تواند عقد را فسخ نماید. (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۹) در موردی نیز که عقد بیع از طرف ولی یا قیم منعقد گردد، آنها همانند اصیل می‌توانند تا زمانی که از هم جدا نشده‌اند، بیع را فسخ کنند. در مورد انقضای خیار مجلس چنین گفته شده است که خروج یکی از طرفین از مجلس عقد به تنهایی نیز موجب

ابطال حق خیار و انقضای خیار مجلس می‌باشد و باقی ماندن طرف دیگر، به هیچ عنوان مجوزی جهت اجرای حق خیار نخواهد بود. هرگاه شخص واحدی به نمایندگی از هر دو طرف عقد اقدام به انعقاد عقد بیع نماید، نظر مشهور فقها این است که خیار مجلس واقع نمی‌شود و این خیار در صورتی محقق می‌گردد که حداقل میان دو نفر عقد منعقد شده و در صورت مفروض، تنها باید اصل لزوم قراردادها را حاکم دانست، نه خیار مجلس را. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج. ۱۰، ش ۳۰) این مطلب بدین دلیل است که خیار از جمله حقوق بوده و نمی‌توان دو طرف حق را، که نوعی از سلطنت می‌باشد، قائم به یک فرد دانست.

در بیعی مانند صرف، اگر چه علاوه بر ایجاب و قبول، قبض نیز شرط صحت عقد است، جهت اجرای خیار مجلس حتی اگر قبض صورت نگرفته است، تا زمانی که مجلس عقد هنوز منعقد می‌باشد، خیار مجلس محقق خواهد شد. (طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۲ ص ۷۹) ضمناً بنا به نظر اکثر فقها، خیار مجلس در عقودی که به صورت مکاتبه‌ای واقع می‌شوند، وجود خارجی نخواهد داشت، زیرا تفاوت زمانی و مکانی میان طرفین عقد وجود داشته و لذا وحدت زمانی و مکانی مجلس، که از عناصر حیاتی خیار مجلس می‌باشد، در این گونه از عقود رعایت نمی‌گردد.

همچنین بنا به نظر عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان، اگر عقد بیع به صورت مکالمه‌ای و تلفنی واقع شود، خیار مجلس ایجاد نخواهد شد، زیرا خیار مجلس از امور استثناء شده از لزوم عقود است و محدود نمودن آن به اصاله اللزوم و ضرورت حفظ و قوام معاملات ایجاب می‌کند که خیار مجلس به روش غالب عقد بیع اختصاص داده شود. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج. ۱۰، ش ۳۲) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که برقراری ارتباط فکری و معنوی خریدار با فروشنده در موقع تماس‌های تلفنی را نمی‌توان به عنوان حضور در مجلس واحد قلمداد نمود. البته برخی دیگر از فقها نیز بر خلاف این نظر را داشته و صرف ارتباط مکالمه‌ای و تلفنی را نیز در حکم مجلس واحد دانسته و در چنین عقودی نیز خیار مجلس را تا قبل از اتمام مکالمه و قطع ارتباط، صحیح و قابل اجرا می‌دانند. استدلال این دسته، بیشتر به مسئله عرف جامعه امروزی است که ارتباط مکالمه‌ای را در حکم مجلس واحد و مانند حضور فیزیکی می‌دانند. (جوادی‌آملی، درس خارج فقه، ۱۳۸۸/۱۲/۱۷)

در مورد عقد بیع فضولی نیز خیار مجلس ایجاد نمی‌شود، زیرا حداکثر چیزی که عقد بیع فضولی ایجاد می‌کند، نمایندگی در زمینه انعقاد عقد است، مگر آن که مالک در جلسه حضور داشته باشد و عقد را نیز تنفیذ کند که در این صورت می‌توان حکم به اعمال خیار مجلس نمود. در فرضی نیز که پس از منعقد شدن عقد و قبل از آن که طرفین معامله از یکدیگر جدا شوند، یکی از آنها مجنون یا بیهوش شود و یا به خواب برود، به علت جدایی روحی میان طرفین عقد، خیار مجلس ساقط می‌گردد.

شرط نمودن اسقاط خیار مجلس اگر قبل از عقد باشد، این شرط باطل است، اما اگر در ضمن عقد و یا پس از آن خیار مجلس را ساقط کنند، صحیح بوده و از موارد لزوم وفای به شرط می‌باشد. از دیگر عوامل مؤثر در اسقاط خیار مجلس، تصرف هر کدام از فروشنده و خریدار در هر یک از ثمن و مبیع است که این اقدام آن‌ها سقوط خیار مجلس را به دنبال خواهد داشت. در صورتی که طرفین عقد به هر دلیلی، اعم از اختیاری، اجباری و یا بر حسب اضطرار، به مدت طولانی نتوانند از یکدیگر جدا شوند، تا زمان جدایی خیار مجلس باقی خواهد ماند. از مجموع آن چه که گفته شد، می‌توان چنین گفت که موارد ساقط شدن خیار مجلس عبارتند از: ۱. شرط نمودن در ضمن عقد، ۲. شرط نمودن پس از عقد، ۳. جدایی خریدار و فروشنده از یکدیگر، ۴. تصرف هر یک از فروشنده و خریدار در ثمن و مبیع.

خیار حیوان

یکی دیگر از خیارات مختص بیع، خیار حیوان است. عامه و امامیه از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت نموده‌اند که خیار حیوان سه روز می‌باشد و این خیار برای مشتری است. (حرّعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۴۸، باب سوم از ابواب خیار، ح ۲) پس اگر مورد معامله حیوان باشد، به شرط آن که به طور کلی در ذمه نباشد، بلکه وجود خارجی داشته و شخص معین باشد، همین که معامله صورت گرفت، تا سه روز می‌شود حیوان را پس داد و عقد بیع را فسخ نمود.

همچنین باید هدف اصلی از خرید حیوان نگهداری آن باشد و اگر برای تهیه غذا و غیره که مستلزم تلف حیوان است، اقدام به خریداری نماید، خیار حیوان وجود نخواهد داشت. به عنوان

مثال اگر هدف از خرید گوسفند تهیه غذا باشد، خیار حیوان وجود نخواهد داشت ولی اگر هدف نگهداری آن باشد، تا سه روز خیار حیوان وجود خواهد داشت. منظور از حیوان هر آن چیزی است که عرف آن را به عنوان حیوان می‌شناسد، پس شامل چهارپایان و پرندگان می‌شود ولی شامل ماهی و مانند آن، اگر خارج از آب باشند نمی‌شود (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۸۳) زیرا هدف اصلی از خرید ماهی، گوشت آن است نه نگهداری آن. ولی بنابر نظری اگر ماهی و سایر آبزیان به قصد نگهداری مثلاً برای نگهداری در آکواریوم های تزئینی یا خانگی باشد، مشمول خیار حیوان می‌شود.

خیار حیوان از جمله خیاراتی است که تنها برای یکی از طرفین معامله که مشتری می‌باشد، ایجاد گشته و هیچ‌گاه برای فروشنده ایجاد نمی‌گردد. فلسفه قرار دادن خیار حیوان را می‌توان آن دانست که حیوانات معمولاً بدون عیب و نقص نیستند. گاهی این عیب‌ها در زمان انعقاد عقد پیداست، مانند لنگ بودن یا کور بودن حیوان. ولی گاهی مشکلات جسمی حیوان پنهان و درونی است و قرار دادن این مهلت سه روزه برای آن است که اثرات این معایب و نواقص بر مشتری آشکار شود و ضرر احتمالی از خریدار دفع گردد. مستند این خیار علاوه بر اجماع، روایات فراوانی است که در این خصوص از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است، مانند روایتی از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) که می‌فرمایند: «الشرط فی الحیوان کله ثلاثه ایام للمشتري و هو بالخيار اشتراط ام لم یشرط» (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۵۱، باب چهارم از ابواب خیار، ح ۱) اما زمان آغاز خیار حیوان چه زمانی است؟ نظر شیخ طوسی (ره) آن است که مبداء خیار حیوان از هنگام جدا شدن فروشنده و خریدار از یکدیگر است، زیرا به عقیده ایشان اجتماع دو یا چند خیار در آن واحد، برای شخص واحد و در عین واحد محال است. (طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۸۵)

اما مشهور فقها عقیده بر این دارند که خیارات از جمله امور اعتباری بوده و اجتماع دو چیز مثل هم در امور اعتباری، بر خلاف امور طبیعی، محال نیست. مستند نظر ایشان نیز روایتی است که در آن امام (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «إنَّ الشرط فی الحیوان ثلاثه ایام، و فی غیره حتّی

یتفرقا» (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۴۹، باب سوم از ابواب خیار، ح ۵) بنابراین مبداء خیار حیوان را از زمان انشاء عقد می‌دانند. ماده ۳۹۸ قانون مدنی در مورد خیار حیوان می‌گوید: «اگر مبیع حیوان باشد، مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.» پس خیار حیوان برای خریدار از لحظه انشاء عقد بوجود می‌آید و فوریت عرفی نیز در آن موضوعیت ندارد و پس از انقضای مهلت مشخص شده که سه روز می‌باشد، خیار ساقط می‌گردد. (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۹۲) از مجموع آن چه گفته شد نتیجه‌گیری می‌شود که چهار عامل وجود دارد که موجب سقوط خیار حیوان می‌شوند:

اتمام مهلت سه روزه جهت اجرای خیار

پس از گذشتن سه روز از عقد بیع حیوان و عدم اجرای خیار، حق خیار معامله به صورت خودکار ساقط شده و معامله قطعی می‌گردد و خریدار دیگر به جهت اعمال خیار حیوان حق مراجعه به فروشنده را نخواهد داشت.

شرط سقوط خیار در ضمن عقد

به موجب این شرط و لزوم «اوفوا بالعقود»، دیگر خریدار حق اجرای خیار حیوان را ندارد.

اسقاط خیار توسط ذوخیار

در صورتی که خریدار پس از عقد بیع حیوان و در حالی که قاصد، مختار و راضی می‌باشد، حق خیار خود را ساقط کند، دیگر حق منتفی نمودن معامله و رجوع به فروشنده را از باب اجرای خیار حیوان نخواهد داشت.

انجام تصرفاتی در حیوان توسط خریدار که نشان از رضایت او به معامله و اسقاط حق خیار دارد یعنی خریداری که خیار دارد، چه به وسیله تصرفات لازم مانند بیع و چه با تصرفات غیرلازم مانند هبه قبل از قبض، و حتی بر اثر انتفاع از حیوان مانند سواری گرفتن از اسب، حتی اگر در مسیر خانه فروشنده تا خریدار باشد، موجب سقوط خیار حیوان می‌شود و این مفهوم تصرفاتی است که منجر به سقوط حق خیار حیوان می‌گردد. (دادمرزی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲) البته مسائلی چون آب و علوفه دادن به حیوان یا انتقال آن به مکانی دیگر سبب سقوط خیار حیوان نمی‌گردند.

خيار تأخير ثمن

خيار تأخير ثمن در کنار خيارات مجلس و حيوان، از ديگر خيارات مخصوص عقد بيع مي‌باشد و احكام آن فقط در خصوص عقد بيع جاري است و در ساير عقود و قراردادها قابل اجرا نمي‌باشد. مراد از اين خيار، تأخير در تحويل دادن ثمن و مبيع به مدت سه روز از تاريخ عقد است و در مورد كسي است كه مبادرت به انجام بيع كرده ولي ثمن را قبض ننموده و مبيع را نيز تحويل نداده است و شرط تأخير نيز نكرده است. (انصاري، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۱۷ و حلي، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۲۳) در اين صورت بايع مي‌تواند پس از گذشت سه روز معامله را فسخ كند. اين خيار برعكس خيار حيوان، فقط مخصوص بايع است و در مورد خريدار موضوعيت ندارد. ماده ۴۰۲ قانون مدني مي‌گويد: «هرگاه مبيع عين خارجي و يا در حكم آن بوده و براي تأديه ثمن و يا تسليم مبيع بين متبايعين اجلي معين نشده باشد، اگر سه روز از تاريخ بيع بگذرد و در اين مدت نه بايع مبيع را تسليم مشتري نمايد و نه مشتري تمام ثمن را به بايع بدهد، بايع مختار در فسخ معامله مي‌شود.» در اين خصوص پرداخت بخشي از ثمن مثل پرداخت نكردن كل آن مي‌باشد، زيرا در اين حالت قبض ثمن و به قبض دادن مبيع همچنان رخ نداده است، چه پرداخت بخشي از ثمن همراه با تصاحب بخشي از مبيع باشد و چه فقط پرداخت بخشي از ثمن باشد و هيچ دريافتي نسبت به مبيع رخ ندهد. قانون‌گذار در ماده ۴۰۷ قانون مدني اين مسئله را به اين صورت بيان مي‌دارد: «تسليم بعض ثمن يا دادن آن به كسي كه حق قبض ندارد، خيار بايع را ساقط نمي‌كند.» بنا بر اين اگر خريدار تمام ثمن را به بايع پرداخت نمايد يا تمام مبيع توسط فروشنده به خريدار تحويل شود، ديگر خيار تأخير ثمن از بايع ساقط مي‌شود، حتي اگر مجدداً ثمن به دست مشتري برسد و مبيع نيز به بايع برگردانده شود.

فقها خيار تأخير ثمن را به دليل اين كه مهلت اجرائي آن سه روز مي‌باشد، خيار ثلاثه نيز مي‌نامند. و از آن جا كه محل اجرائي اين خيار در بيعي است كه غير مؤجل بوده و بيع مؤجل از محل اجرائي اين خيار خارج مي‌باشد، هر وقت بيع به صورت نسيه، سلف و يا سلم واقع گردد، خيار تأخير ثمن محلي براي اجرا نخواهد داشت. مستند اين خيار علاوه بر روايات فراوان از

معصومین (علیهم‌السلام) و اجماع فقها، قاعده لاضرر نیز می‌باشد، زیرا مطابق مفاد این قاعده، در صورت تلف مبیع قبل از آن که به دست خریدار برسد و اصطلاحاً خریدار آن را قبض نماید، خسارت آن بر عهده فروشنده است و این امر موجب ضرر فروشنده می‌شود. بنابراین در قبال این مسئولیت بایع و جهت جبران و کاهش ضرر وی، زمانی که خریدار در پرداخت ثمن معامله تأخیر نماید و یا آن را تمام و کمال پرداخت ننماید، فروشنده حق فسخ معامله را خواهد داشت و می‌تواند کالای خود را با شخص دیگری معامله نموده و ثمن مورد نیاز خویش را به دست آورد.

اما آن قبضی که مانع اجرای خیار تأخیر ثمن می‌شود، باید با اجازه مالک باشد و قبضی که بدون اجازه مالک باشد اثری نخواهد داشت. همچنین اگر تمام یا بخشی از ثمن قبض شده متعلق به غیر باشد، خیار تأخیر ثمن همچنان برای بایع باقی است. اگر بایع پس از سه روز مهلت پرداخت ثمن، از خریدار تقاضای پرداخت ثمن را بنماید و این تقاضا نشان‌دهنده رضایت وی نسبت به عقد بیع باشد، باز هم مسقط خیار نخواهد بود و پس از اتمام فرصت سه روزه، بایع می‌تواند معامله را فسخ نماید.

ماده ۴۰۵ قانون مدنی مورد دیگری از موارد ممکن الوقوع در زمینه خیار تأخیر ثمن را بیان می‌دارد و آن بدین شرح می‌باشد: «اگر مشتری ثمن را حاضر کرد که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع کرد، خیار فسخ نخواهد داشت.» پس امتناع فروشنده از دریافت ثمن به امید آن که بر قبض ننمودن آن ادعا نماید، صحیح نبوده و خیار ساقط می‌شود و خریدار نیز می‌تواند بر طبق قاعده «الحاکم ولی الممتنع» ثمن را به حاکم تحویل بدهد. همچنین اگر فروشنده از دریافت ثمن ناتوان باشد، باز هم در صورت آمادگی خریدار برای پرداخت ثمن، خیار فسخ ساقط می‌شود، مانند زمانی که فروشنده به علت ترس از وجود دزد، از گرفتن ثمن عاجز باشد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که اگر پس از پایان فرصت سه روزه و قبل از آن که فروشنده اقدام به فسخ معامله نماید، خریدار ثمن را پرداخت کند، باز هم خیار فسخ برای فروشنده باقی می‌ماند و حق خیار او ساقط نمی‌گردد. مطابق نظر بیشتر فقهای معاصر، در صورتی که خریدار برای پرداخت ثمن چک یا سفته صادر نماید، اقدام مذکور در حکم پرداخت ثمن می‌باشد و در

نتیجه، در صورت پذیرش این موضوع دلیلی برای بقاء خیار تأخیر ثمن باقی نمی‌ماند. (میرزائی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷)

بررسی خیارات مختص بیع در قانون تجارت الکترونیکی ایران

خیار مجلس

همان گونه که گفته شد، مفهوم خیار مجلس عبارت از آن است که طرفین عقد بیع تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده‌اند و به اصطلاح مجلس عقد پا برجاست، می‌توانند معامله را به هم بزنند. این خیار فقط مختص به عقد بیع و معامله‌های مبتنی بر فروش کالا و خدمات است و ماده ۳۹۷ قانون مدنی نیز ناظر بر آن می‌باشد. اما باید توجه نمود که قید کلمه مجلس فقط شامل نشستن فیزیکی طرفین نیست، بلکه به خاطر آن است که در اغلب موارد، معاملات به صورت نشستن انجام می‌شود و طرفین در یک مکان و با نشستن نزد یکدیگر اقدام به معامله می‌نمایند. (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۷) پس آن چه که در تحقق این خیار حائز اهمیت می‌باشد، با هم بودن متعاملین به معنای عرفی است و صرف نشستن نمی‌باشد و به همین دلیل طرفین می‌توانند معامله را در حال پیاده‌روی و یا ایستاده انجام دهند.

اما در خصوص تفرق مکانی طرفین معامله در تجارت الکترونیکی باید توجه نمود که همیشه فروشنده و خریدار در مکان‌هایی جدا از یکدیگر هستند و این فاصله مکانی می‌تواند از دو محل در یک شهر تا دو قاره متفاوت باشد، ولی در هر صورت در یک مکان که معنای فیزیکی با هم بودن و یک مجلس را برساند، قرار ندارند، لیکن در عرف فضای مجازی، متخصصان و کاربران محیط سایبری، ورود به یک سایت و انجام معامله با گردانندگان آن را بودن در یک مجلس دانسته و تفرق را خروج از سایت مربوطه و یا قطع ارتباط با شبکه جهانی اینترنت می‌دانند و این مطلبی است که با توجه به ساختار و ماهیت مجازی اینترنت و لزوم پویایی فقه و همچنین عرف جاری در جوامع امروزی، به مرور مورد پذیرش عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان نیز قرار گرفته است.

این مسئله در فصل چهارم از مبحث چهارم قانون تجارت الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته و قانون‌گذار ماده ۲۹ این قانون را به این مسئله اختصاص داده است که به بیان نحوه تعیین مکان

طرفین معامله می‌پردازد: «اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت «داده پیام» مختلف باشد مطابق قاعده زیر عمل می‌شود:

الف) محل تجاری یا کاری اصل‌ساز محل ارسال «داده پیام» است و محل تجاری یا کاری مخاطب، محل دریافت «داده پیام» است مگر آن که خلاف آن توافق شده باشد.

ب) اگر اصل‌ساز بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد، نزدیکترین محل به اصل معامله، محل تجاری یا کاری خواهد بود در غیر این صورت محل اصلی شرکت، محل تجاری یا کاری است.

ج) اگر اصل‌ساز یا مخاطب فاقد محل تجاری یا کاری باشند، اقامتگاه قانونی آنان ملاک خواهد بود.» لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به این ماده و عرف موجود در فضای مجازی، تصور خیار مجلس برای معاملات بیع الکترونیکی ممکن می‌باشد. البته این مسئله در خصوص معاملات تلفنی و مکاتبه‌ای صادق نبوده و صرف ارتباط معنوی و فکری خریدار با فروشنده در هنگام مکالمات تلفنی یا ارتباطات اینترنتی را نمی‌توان در حکم حضور در یک مجلس عقد به حساب آورد.

از مجموع آن چه که گفته شد چنین نتیجه‌گیری می‌شود که هر چند اعمال خیار مجلس در تجارت الکترونیکی قابل تصور می‌باشد، لیکن در قوانین موضوعه مربوط به آن، چنین مسئله‌ای با دقت و ظرافتی که در خصوص معاملات فیزیکی بررسی شده است، پیش‌بینی نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است. البته در هنگام انجام معامله به صورت الکترونیکی و قبل از تأیید نهایی خرید محصول، خریدار می‌تواند با قطع ارتباط خود با فروشنده و یا اعمال انصراف از معامله، مراحل خرید را کامل ننموده و وجهی را پرداخت ننماید. اما این مسئله چیزی به غیر از خیار مجلس می‌باشد، زیرا در این مورد هنوز معامله‌ای واقع نشده و عقدی منعقد نگشته است تا خیار اجرا شود، در حالی که خیار مجلس پس از انعقاد عقد و وقوع بیع و قبل از جدایی طرفین معامله از یکدیگر است.

خيار حيوان

در مورد اين خيار كه مدت آن مطابق فتواي فقها و همچنين ماده ۳۹۸ قانون مدني ايران، سه روز مي‌باشد، در قانون مدني اشاره‌اي به نحوه انجام معامله نشده است و فقط بيان شده است كه بعد از وقوع معامله تا سه روز از حين عقد، خريدار حق فسخ معامله را دارد، در حالي كه فقها به اتفاق آراء اين خيار را مختص به بيع حيوان مي‌دانند.

با بررسي قانون تجارت الكترونيكي ايران مشاهده مي‌شود كه به اين خيار اشاره‌اي نشده است، ولي در ماده ۴ اين قانون چنين آمده است كه «در مواقع سكوت و يا ابهام باب اول اين قانون، محاكم قضايي بايد بر اساس ساير قوانين موضوعه و رعايت چهارچوب فصول و مواد مندرج در اين قانون، قضاوت نمايند.» پس زماني كه ما در خصوص خيار حيوان و يا حتي ساير خيارات، مطلبي را در قانون تجارت الكترونيكي پيدا نمي‌كنيم، بايد به سراغ قوانين موضوعه مدني رفته و حكم مسئله را با رعايت چهارچوب و مواد اين قانون، استخراج نماييم. همان گونه كه بيان گرديد، در ماده ۳۹۸ قانون مدني در اين باره آمده است: «اگر مبيع حيوان باشد، مشتري تا سه روز از حين عقد اختيار فسخ معامله را دارد.» و مي‌بينم كه در اين قانون قيدي جهت چگونگي انجام بيع بيان نشده است.

البته با توجه به فاصله زماني و مكاني خريدار و فروشنده در معاملات الكترونيكي و اينكه معمولاً بين زمان معامله و تحويل مورد معامله، فاصله زماني ايجاد مي‌شود، توجه به دو نكته بسيار مهم مي‌باشد: اول اين كه بايد اين مهلت و بازه زماني توسط فروشنده به خريدار اعلام شود. ماده ۳۳ قانون تجارت الكترونيكي اشاره به اين مطلب داشته و مي‌گويد: «فروشنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات بايستي اطلاعات مؤثر در تصميم‌گيري مصرف‌كنندگان جهت خريد و يا قبول شرايط را از زمان مناسب قبل از عقد در اختيار مصرف‌كنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم، شامل موارد زير مي‌باشد:

الف) مشخصات فني و ويژگي‌هاي کاربردي کالا و يا خدمات؛

ب) هويت تأمين‌كننده، نام تجاري كه تحت آن نام به فعاليت مشغول مي‌باشد و نشاني وي؛

ج) آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند؛

د) کلیه هزینه‌هایی که برای خرید کالا بر عهده‌ی مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا و یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل، هزینه تماس)؛

ه) مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می‌باشد؛

و) شرایط و فرآیند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، ارجاع، خدمات پس از فروش.»

همان گونه که مشاهده می‌شود بند «و» این ماده به نوعی به این مسئله می‌پردازد و فروشنده را ملزم می‌کند تا در ضمن اعلام موارد ذکر شده در این ماده، ترتیب و نحوه تحویل کالا که در بر گیرنده مدت زمان ارسال تا تحویل نیز می‌باشد را به خریدار اعلام نماید. مسئله دوم که در مورد فاصله زمانی میان انجام معامله تا تحویل مبیع باید مورد توجه قرار گیرد، این است که خیار فسخ از زمان تحویل مورد معامله خواهد بود، زیرا تا زمانی که قبض واقع نشود، عقد لازم نمی‌گردد و خیار نیز به وجود نمی‌آید و بعد از قبض است که عقد لازم گشته و تمامی ارکان آن محقق می‌شود. پس آغاز زمان خیار حیوان از لحظه تحویل آن به خریدار می‌باشد.

البته ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی می‌گوید: «در هر معامله از راه دور، مصرف‌کننده باید حداقل هفت روز کاری وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف‌کننده هزینه باز پس فرستادن کالا خواهد بود.» ذکر این قید هفت روز برگرفته از قانون فرانسه می‌باشد و می‌توان آن را یک خیار کلی دانست که البته خارج از عناوین خیارات مذکور در فقه و حقوق موضوعه نبوده و می‌شود آن را یک نوع خیار شرط دانست. همچنین قانون‌گذار در ماده ۳۸ این قانون، در خصوص زمان آغاز حق انصراف چنین می‌گوید: «شروع اعمال حق انصراف به ترتیب زیر خواهد بود:

الف) در صورت فروش کالا، از تاریخ تسلیم کالا به مصرف‌کننده و در صورت فروش خدمات، از روز انعقاد؛

ب) در هر حال آغاز اعمال حق انصراف مصرف‌کننده پس از ارائه اطلاعاتی خواهد بود که تأمین‌کننده طبق مواد (۳۳) و (۳۴) این قانون موظف به ارائه آن است؛

ج) به محض استفاده مصرف‌کننده از حق انصراف، تأمین‌کننده مکلف است بدون مطالبه هیچ گونه وجهی، عین مبلغ دریافتی را در اسرع وقت به مصرف‌کننده مسترد نماید؛

د) حق انصراف مصرف‌کننده در مواردی که شرایط خاصی بر نوع کالا و خدمات حاکم است، اجرا نخواهد شد. موارد آن به موجب آیین‌نامه‌ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.»

با توجه به بند «د» این ماده، می‌توان گفت که خیار حیوان جزء شرایط خاص بوده و از مدت هفت روز گفته شده در ماده ۳۷ استثناء می‌شود. در مورد سایر احکام مربوط به خیار حیوان در تجارت الکترونیکی نیز با توجه به ماده ۴ قانون تجارت الکترونیکی که پیشتر بیان گردید و همچنین ماده ۴۴ این قانون و اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به قانون مدنی و در صورت سکوت قوانین موضوعه به منابع معتبر فقهی و اسلامی رجوع نمود، زیرا ماده ۴۴ قانون تجارت الکترونیکی می‌گوید: «در موارد اختلاف و یا تردید، مراجع قضایی رسیدگی خواهند کرد.» و اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز چنین اعلام می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» لذا در مورد معاملات مربوط به حیوان در فضای مجازی، خیار حیوان متصور بوده و قابل اعمال می‌باشد.

خيار تأخیر ثمن

ماده ۴۰۲ قانون مدنی ناظر به خیار تأخیر ثمن، که در معاملات سنتی و فیزیکی مهلتی سه روزه برای آن در نظر گرفته شده است، بوده و مقرر می‌دارد که اگر طرفین در حین معامله مدتی را معین ننمایند، در صورت عدم پرداخت وجه معامله توسط خریدار، فروشنده در صورت عدم تحویل مبیع، پس از طی شدن سه روز از تاریخ معامله، حق فسخ آن را خواهد داشت.

اما در قانون تجارت الکترونیکی که مواد ۳۷ تا ۴۹ خود را به ذکر مواردی اختصاص داده است که برای حمایت از مصرف‌کننده بوده و اختیار فسخ معامله را به وی می‌دهد، هیچ اشاره‌ای به حق فروشنده در خصوص فسخ معامله ننموده است. اما همان گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، با استناد به ماده ۴ و ۴۴ قانون تجارت الکترونیکی و اصل ۱۶۷ قانون اساسی، می‌توان احکام مربوط به این خیار را در قوانین مدنی و منابع فقهی جستجو نمود. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که در تجارت الکترونیکی نیز در صورت عدم پرداخت ثمن از سوی خریدار، فروشنده در صورتی که مدت خاصی را در ضمن عقد شرط نکرده باشد و مبیع را نیز تحویل نداده باشد، می‌تواند معامله را به استناد خیار تأخیر ثمن فسخ نماید و در صورت بروز مشکل حقوقی به محاکم ذی‌صلاح مراجعه نموده و طرح دعوا نماید.

البته ذکر این نکته خالی از فایده نیست که با توجه به این که معمولاً هویت خریدار و بعضاً فروشنده در تجارت الکترونیکی ناشناس است، وجه خرید در هنگام انعقاد معامله باید پرداخت شود و تا این مسئله انجام نشود، فروشنده اقدام به تحویل محصول، چه به صورت دیجیتال و چه به صورت فیزیکی نمی‌کند و مسائلی که درباره اعمال خیار تأخیر ثمن بیان گردید در خصوص بعضی معاملات خاص در تجارت الکترونیکی مصداق داشته و بیشتر در معاملاتی مانند معاملات بنگاه‌های تجاری با یکدیگر و یا دولت با بنگاه‌های تجاری کارآیی خواهد داشت که طرفین معمولاً شخصیت‌های حقوقی و معتبر و شناخته شده‌ای می‌باشند.

نتیجه

از مجموع آن چه که گفته شد چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به نظر عرف موجود و رویه عملی در میان طراحان و کاربران فضای سایبری و آن چه در عمل در دنیای مجازی ساری و جاری است، انعقاد عقد بیع در معاملات الکترونیکی، چه به صورت نوشتاری، صوتی، تصویری و یا چند رسانه‌ای، میان خریدار و فروشنده می‌تواند مفهوم یک مجلس بودن را داشته باشد و این چیزی فراتر از ارتباط معنوی بین طرفین عقد می‌باشد و در نتیجه اعمال خیار مجلس در معاملات الکترونیکی متصور خواهد بود. البته در هنگام انجام معامله به صورت الکترونیکی و قبل از توافق

نهایی بر سر خرید محصول، خریدار می‌تواند با قطع ارتباط خود با فروشنده و یا اعلام انصراف از معامله، خرید را کامل ننموده و معامله را فسخ نماید. اما این مسئله چیزی به غیر از خیار مجلس می‌باشد. همچنین تکیه نمودن بر مسئله استثناء بودن حکم خیار مجلس از اصل لزوم عقود نیز امری محافظه‌کارانه خواهد بود که در آینده می‌تواند تبعات گوناگونی را برای فعالان عرصه تجارت الکترونیکی به وجود بیاورد و به عکس، توجه به عرف جاری در میان اهالی فضای مجازی می‌تواند راه‌گشای تطبیق احکام و قوانین معاملات فیزیکی و سنتی بر شیوه‌های نوین و رو به گسترش معاملات الکترونیکی بوده و امکان اعمال انواع مختلف خیارات فقهی، بالاخص خیارات مختص به عقد بیع که نوع بسیار رایج انواع معامله حتی در فضای مجازی می‌باشد، را در معاملات الکترونیکی فراهم نماید تا جلوی تضییع حقوق فروشنده و خریدار گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد؛ السرائر، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۸.
۲. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی؛ غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۷ق.
۳. اسلوین، جیمز؛ اینترنت و جامعه(ترجمه عباس گیلوری، تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
۴. انصاری، مرتضی؛ مکاسب، قم: مجمع الفکر اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۵. بحر العلوم، سید محمد؛ بلغه الفقه، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۴ق.
۶. پرنده، علی؛ تجارت در اینترنت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۳.
۸. جوادی آملی، عبدالله، خیارات (جلسه ۳۰)، بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء، Portal.esra.ir.
۹. جوادی آملی، عبدالله، درس خارج فقه، ۱۳۸۸/۱۲/۱۷، www.eshia.ir/feqh.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۱۱. حسینی سیرت، ابوالفضل، حقوق تجارت الکترونیکی، قم: ائمه(ع)، ۱۳۹۰.
۱۲. حسینی شیرازی، صادق، احکام معاملات اسلامی، قم: رشید، ۱۳۸۴.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶ق.
۱۴. حنفی زاده، پیام؛ تجارت الکترونیکی: تعاریف، موانع و راهکارها، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
۱۵. خاتمی، رضا؛ ماهیت، خصوصیات و سقوط خیار مجلس، مجله کانون، سال چهل و پنجم، دوره دوم، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۳۵، ص ۲۹-۵۰.
۱۶. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹.
۱۷. دادمرزی، مهدی؛ فقه استدلالی، قم: کتاب طه، ۱۳۸۵.

۱۸. روشنی، محمد معین؛ همه چیز درباره E_Commerce، تهران: علم و دانش، ۱۳۸۸.
۱۹. روئن، ویل؛ تجارت الکترونیک (ترجمه علی دنیا دیده)، تهران: اندیشه آریا، ۱۳۸۶.
۲۰. زراعت، عباس؛ خودآموز مکاسب: بخش خیارات، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۲۱. زرکلام، ستار؛ حقوق تجارت الکترونیک همراه با تحلیل قانون تجارت الکترونیک ایران، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸.
۲۲. زرگر، محمود؛ مدلهای راهبردی و راهکارهای تجارت در اینترنت؛ تهران: بهینه، ۱۳۸۰.
۲۳. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، تهران: دادگستر، ۱۳۸۳.
۲۴. شجاعی، محسن؛ تجارت الکترونیکی، مشهد: پرتو نگار، ۱۳۸۳.
۲۵. شکاری، روشنعلی؛ شرح و ترجمه متون فقه، بیع و خیارات، تهران: کشاورز، ۱۳۸۰.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی؛ لمعه دمشقیه (ترجمه محسن غرویان)، قم: دارالفکر، ۱۳۸۰.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۸. شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی ۳: تعهدات، تهران: مجد، ۱۳۸۰.
۲۹. صدری، محمد؛ معاملات الکترونیک: مبانی - ماهیت - مشروعیت، کاشان: اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸.
۳۰. صنایعی، علی؛ تجارت الکترونیک در هزاره سوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۴۲۸ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن؛ الخلاف، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ه ق.
۳۳. عبده بروجردی، محمد؛ حقوق مدنی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۰.
۳۴. فسلی، ماریا؛ فناوری عامل در تجارت الکترونیک (ترجمه اکبر داستانی)، تهران: کیان رایانه سبز، ۱۳۸۹.
۳۵. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی، معاملات معوض، عقود تملیکی، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۷۱.

۳۶. کاتوزیان، ناصر؛ عقود معین، تهران: گنج دانش، ۱۳۶۸.
۳۷. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران: بهنشر، ۱۳۷۲.
۳۸. کانینگهام، مایک؛ تجارت الکترونیک (ترجمه احمد رضا اخوان صراف)، اصفهان: دانش پژوهان برین، ۱۳۸۳.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۴۰. کورپر، استفانو؛ تجارت الکترونیکی (ترجمه خسرو مهدی پورعطائی)، تهران: دیباگران تهران، ۱۳۸۰.
۴۱. لاودن، کنت؛ فن آوری اطلاعات (ترجمه حمید محسنی)، تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
۴۲. مدرسی، محمد تقی؛ احکام عمومی عقود و قراردادها، قم: محبان الحسین (ع)، ۱۳۸۴.
۴۳. مرادی شهدادی، جعفر؛ تجارت الکترونیک و حقوق آن، لاهیجان: رستم و سهراب، ۱۳۸۷.
۴۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۴۵. مقامی نیا، محمد، نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی های آن، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱، ص ۸۵-۹۸.
۴۶. مک لارن، بروس؛ مبانی تجارت الکترونیک (ترجمه محمد رضا بلوچستانی)، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ۱۳۸۵.
۴۷. موحدی محب، مهدی؛ بازخوانی و نقد ادله اختصاص خیار مجلس به بیع، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲، سال چهل و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۵۴.
۴۸. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۹. هارمن، پل؛ تغییر فرآیندهای کسب و کار، ترجمه محمد مهدوی؛ اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ۱۳۸۷.
۵۰. هیگ، مت؛ ضروریات کسب و کار الکترونیکی (با دیدگاه کاربردی) (ترجمه بابک عابدین)، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۲.